■ رهبر حکیم انقلاب، پیشانی و وجهه انقلاب اسلامی را عنصر معنویت ارزیابی می‌کنند و معتقدند انقلاب در هر کشوری که نفوذ کرد، پیام معنوی خود را نیز به آنجا صادر کرد. به همین خاطر است که ایشان در بیانات‌شان، از عبارت «انقلاب معنوی» برای توصیف «انقلاب اسلامی» استفاده کرده‌اند که بیانگر این است که انقلاب اسلامی در نظرگاه ایشان، اصالتاً یک انقلاب معنوی است. جالب توجه است که رهبر معظم انقلاب برای توصیف امام خمینی(ره) نیز از عبارت «امام معنوی» استفاده می‌کنند

تحلیلی بر جایگاه معنویت در منظومه انقلاب اسلامی و لزوم توجه به هشدارهای رهبر انقلاب درباره جبران برخی عقب‌ماندگی‌های کشور در حوزه معنویت و اخلاق

انقلاب معنوی

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: یکی از ضعف‌های ما این است که به موازات علم، به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است

گروه اندیشه: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر مردمسالاری دینی، بالطبع پاسخگویی به نیازهای معنوی شهروندان از جمله وظایف و تکالیف نظام سیاسی جدید قرار گرفت. نکته قابل توجه این است که گرچه بسیاری از جریانات دخیل در انقلاب مبتنی بر نظریات مادی‌گرایانه، انقلاب سال ۵۷ را صرفا در جهت تامین برابری‌های اقتصادی و آزادی‌های سیاسی تعبیر می‌کردند اما امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی همواره تلاش داشتند تا انقلاب مردم به سطوح مادی تقلیل پیدا نکند و آرمانگرایی معنوی نیز در کنار آرمان‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌خواهانه جزو اهداف انقلاب محسوب شود؛ موضوعی که در این یادداشت به تحلیل زوایای گوناگون آن خواهیم پرداخت.

حضرت امام خمینی(ره) در یکی از سخنرانی‌های‌شان در ابتدای انقلاب می‌فرمایند: ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه شود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید؛ معنویات ما را بردند اینها.[1]

امام خمینی در این سخنرانی از کلیدواژه‌ای استفاده می‌کنند که در حکمرانی سیاسی بسیار قابل اهمیت و تامل است و آن هم وظیفه حکومت در ایجاد «رفاه معنوی» برای شهروندان است. واژه رفاه که اصالتاً در نظریات اقتصادی به عنوان یکی از کارویژه‌های دولت به کار می‌رود، از سوی امام خمینی(ره) «تصعید معنا» پیدا کرده و این بار در حوزه امور معنوی استفاده می‌شود. در طول تاریخ اقتصاد واژه رفاه با واژه‌های نزدیک به رفاه مثل بهروزی (well-being)، لذت (pleasure)، رضایت (satisfaction)، رضایتمندی (Ophelimity)، تأمین نیازهای اساسی (fulfilment of substantive needs)، خوشی(Happiness) و توانمندی (Capability)، یک شبکه معنایی را ایجاد کرده است.

در اینجا اگر بخواهیم به مفهومی از رفاه معنوی دست پیدا کنیم، می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد: فراهم بودن همه ابزارهای لازم برای رشد معنوی به طوری که احساس فقدان و کمبودی از حیث نیاز روانی به معنویت در شهروندان ادراک نشود و آنان در این بعد احساس رضایتمندی کنند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در یکی از دیدارهای‌شان تعبیر دیگری را درباره وظیفه حکومت در عرصه معنویت به کار می‌برند که آن را می‌توان تفسیر و تعریف دیگری بر مساله «رفاه معنوی» قلمداد کرد که از سوی امام راحل(ره) بیان شده بود. ایشان در این باره می‌فرمایند: هیچ کس نمی‌خواهد مردم را به زور به بهشت ببرد اما باید از راه و به شکل درست، مسیر بهشت را به روی مردم باز، و آنها را به حرکت در آن مسیر تشویق کنیم. فلسفه ارسال پیامبران، هدایت مردم به بهشت و دور کردن آنان از جهنم بوده است.[2]

به این ترتیب مسجل است که یکی از کارکردهای اصلی نظام اسلامی، پاسخگویی به نیازهای معنوی و روحی شهروندان و ایجاد «رفاه معنوی» است. حال این سوال پیش می‌آید که راهکار تحقق «رفاه معنوی» برای شهروندان چیست؟ و در سطحی عام‌تر اینکه اساسا سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی در عرصه معنویت چیست؟ با التفات به این موضوع که منبع سیاست‌های بالادستی نظام اسلامی، بیانات و منظومه فکری امام و رهبری است، اساسا نقشه راه ایجاد رفاه معنوی برای شهروندان در اندیشه و بیان امامین انقلاب چگونه ترسیم شده است؟ این سوالی است که پژوهش پیش رو متکفل پاسخگویی به آن است.

در این شماره بررسی نگاه کلان انقلاب اسلامی به مساله معنویت، بنیان‌های تئوریک این موضوع و چشم‌انداز و افق معنویت در انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

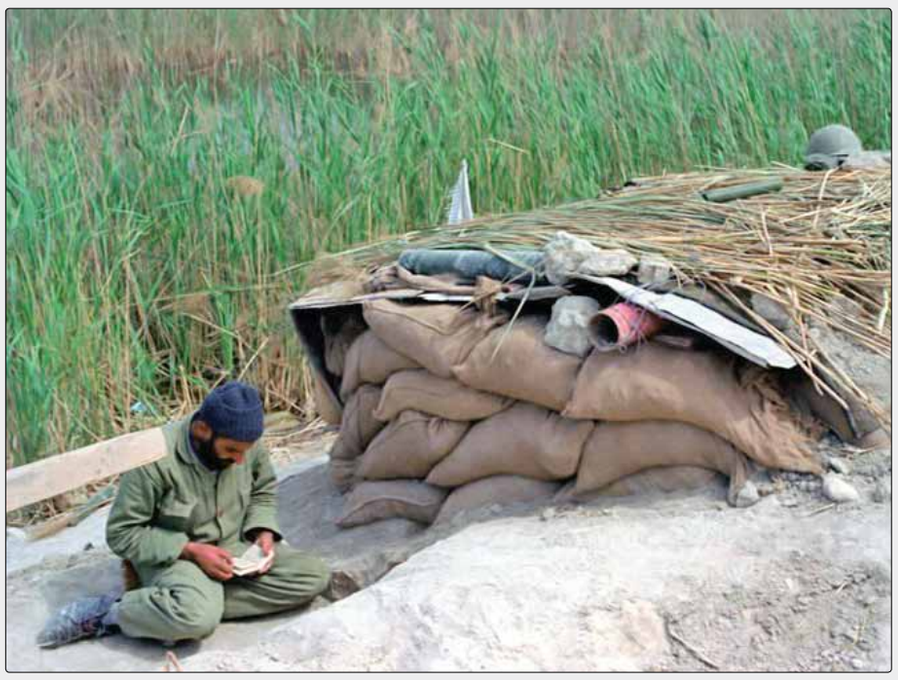

■ **جایگاه معنویت در منظومه فکری-عملی انقلاب اسلامی**

انقلاب اسلامی ایران، قبل از هر چیز یک انقلاب معنوی است.[3]

در نگاه رهبر معظم انقلاب، پرجاذبه‌ترین بخش اسلام، معنویت آن است. طبیعتا نهضت اسلامی مردم ایران که در بهمن۵۷ به ثمر نشست، اصلی‌ترین جاذبه خود را برای مردم از بعد معنوی خود گرفته بود. آنقدر این جاذبه و کشش در نهضت اسلامی ایران مشهود است که صدها مثال تاریخی از پیوستن افراد به این نهضت و تبدیل آنان به انسان‌های معنوی و ایثارگر وجود دارد که این خود شاهد صدق این مدعاست که معنویت، اساس و روح حرکت انقلاب اسلامی بوده است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تحلیل‌شان از انقلاب اسلامی، تاکید ویژه‌ای بر بررسی جغرافیای فکری وقوع انقلاب اسلامی دارند به این معنا که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، جریان فکری جهانی به کدام سو حرکت می‌کرد و پیروزی انقلاب چه تاثیری بر این جریان داشت؟ ایشان در تحلیل‌های خود بر این نکته تاکید می‌کنند که انقلاب اسلامی در جهانی رخ داد که شتابان به سمت مادیت پیش می‌رفت و روزبه‌روز بشر را بیشتر در تنگنای دنیای قدرت و شهوت فرو می‌برد. انقلاب اسلامی ایستادگی در برابر موج ماده‌گرایی و ماده‌پرستی بود و توانست به این حرکت شتابان لطمه وارد کند و این حرکت را کند کرد. ایشان در همین ارتباط می‌فرمایند: این انقلاب در مقابل این موج عظیمی که با همه قدرت مادی آن را دائم تشدید می‌کردند، آمد ایستاد و ضربه زد. انقلاب با مطرح کردن علم معنویت، با آن حرکتی که ترکتازانه به پیش می‌بردند، به آن حرکت لطمه وارد آورد و آن را کند کرد.[5]

بر همین اساس رهبر معظم انقلاب، پیشانی و وجهه انقلاب اسلامی را عنصر معنویت ارزیابی می‌کنند و معتقدند انقلاب در هر کشوری که نفوذ کرد، پیام معنوی خود را نیز به آنجا صادر کرد. به همین خاطر است که ایشان در بیانات خود، از عبارت «انقلاب معنوی» برای توصیف «انقلاب اسلامی» استفاده کرده‌اند که بیانگر این است که انقلاب اسلامی در نظرگاه ایشان، اصالتاً یک انقلاب معنوی است. جالب توجه است که رهبر معظم انقلاب برای توصیف امام خمینی(ره) نیز از عبارت «امام معنوی» استفاده می‌کنند. توجه به این قسمت از بیانات ایشان موضوع مطرح شده را با وضوح بیشتری نمایان می‌کند: وجهه جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است. دنیا غرق در مادیت است. دست‌های سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی، دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادی‌گری سوق داده و ملت‌ها را در منجلاب مادی‌گری غرق کرده است. امروز دنیا در جهت‌گیری خود و راهی که قدرت‌ها و دولت‌ها برای آن پیش‌بینی می‌کنند، نه‌تنها هیچ جنبه معنوی ندارد، بلکه به طرف مادیگری حرکت می‌کند و معنویات را از انسان‌ها سلب می‌کند. علت اینکه می‌بینید در بسیاری از کشورها، نسل‌های جوان به ستوه می‌آیند، خودکشی زیاد می‌شود، خانواده‌ها متلاشی می‌شوند و جوانان به آوارگی می‌افتند، همین کمبود معنویت است. برای بشر، معنویت یک غذا و تغذیه روحی است. مگر می‌شود بدون معنویت، انسان بتواند مدت طولانی راحت زندگی کند؟ هر جا علم و تمدن مادی بیشتر است، آشفتگی‌ها هم بیشتر می‌شود. این هم به خاطر گناه حذف معنویات به وسیله قدرت‌های جهانی از صحنه زندگی مردم عالم است. پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست. هر جا که نام و پیام امام نفوذ کرد، معنویت را در آنجا به همراه برد. حتی اگر به جوامع مسیحی و غیرمسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان دادند، از آن درسی طلب کردند و بهره‌ای بردند نگاه کنید، معنویت را در آنجا مشاهده خواهید کرد. رد پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویت است و این معنویت، نخستین پیام این انقلاب و امام معنوی است؛ امامی که خود یک انسان والا و معنوی، عارف، فقیه، دین‌شناس، متعبد و قائم‌باللیل بود. امام، کسی بود که نیمه‌شب با خدا خلوت و تضرع می‌کرد.

نگاه رهبر معظم انقلاب به امام خمینی(ره) به عنوان یک شخصیت اصالتاً معنوی به قدری است که اساس ولایت فقیه و اساس ولایت حضرت امام را مبتنی بر همان ولایت معنوی می‌دانند. یعنی قدرت اصلی حضرت امام(ره) در نگاه رهبر معظم انقلاب، نه اعلمیت ایشان در فقه و دروس حوزوی، بلکه سیر ایشان در افق اعلای معنویت است که توانسته است نمونه‌ای از ولایت معنوی انبیا را در دوران معاصر به نمایش بگذارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین باب می‌فرمایند: مردان خدا بر دل‌ها حکومت می‌کنند و بر اثر همین اتصال به خداست که سلطان دل‌ها می‌شوند. ولایت مردان خدا، ولایت معنوی و باطنی است؛ ولایت ظاهری آنها هم - اگر به ولایت ظاهری دست پیدا کنند - ناشی از معنویت و ولایت باطنی آنهاست. خدا قدرت خلاقیت خود را به مردان خدا و پیغمبران خود و اوصیای پیغمبران می‌بخشد و آنها را بر دل‌ها حاکم می‌کند. ولایت و حکومتی که رشحه‌ای از ولایت معنوی در آن نباشد، اگر جذابیتی هم داشته باشد، جز لعابی از دروغ و فریب و تزویر نیست. لذا نوع حکومت مردان خدا و حاکمان الهی با دیگران متفاوت است. امام این الگو را به ما نشان داد و ما آن را از نزدیک دیدیم. ما وقتی به خود نگاه می‌کنیم، فاصله میان خود و پیغمبران و اولیای خدا و مردان بزرگ الهی و معنوی را ناپیمودنی و ژرف می‌بینیم. اما امام بزرگوار در زمان ما، در خلأ پیغمبران الهی و وحی الهی، با حضور خود، با فکر خود و با رفتار خود توانست نمونه زنده‌ای را به ما نشان دهد تا ببینیم ولایت معنوی چیست. امروز هم راه امام و فکر امام و هدف امام برای ملت ایران و امت اسلامی وسیله نجات است.[7]

با این اوصاف، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هویت انقلاب اسلامی را اصالتاً هویتی معنوی می‌دانند و حرف نوی انقلاب اسلامی را تشکیل یک نظام مردم‌سالار دینی می‌دانند که تار و پود آن از معنویت بافته شده است: هویت ما فقط در زمینه علم نیست؛ ما در زمینه سخن نو - همین که ایشان گفتند همین سخن تازه بگو. سخن تازه گفته‌ایم. فکر مردم‌سالاری همراه با معنویت و دین یک فکر نو در دنیای امروز است. تصور نشود که فکر گرایش به معنویت یک امر قدیمی و ارتجاعی و به قول آقایان دمده شده و مانند این حرف‌هاست؛ نخیر، امروز دنیا به خاطر خلأ معنوی در تلاطم است و این را قبول دارند؛ این را دارند می‌گویند، تکرار می‌کنند؛ منتها از کجا معنویت بیاورند؟ معنویت را که نمی‌شود مثل آمپول تزریق کرد به ملت؛ ندارند، گرفتارند و البته گرفتارتر هم خواهند شد؛ اینکه ما آمدیم یک مردم‌سالاری همراه با دین، همراه با معنویت به وجود آوردیم.[8]

در نهایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داعیه انقلاب اسلامی را اینگونه بیان می‌کنند: داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی بر معنویت.[9]

■ **شبکه واژگانی معنویت در منظومه فکری انقلاب اسلامی**

در این بخش باید ابتدا به تعریف مفهوم شبکه واژگانی بپردازیم و سپس این نکته را شرح دهیم که منظور از شبکه واژگانی معنویت چیست؟ ما وقتی از شبکه واژگانی استفاده می‌کنیم به این معناست که یک مفهوم در ارتباط وثیقی با مفاهیم دیگر است به طوری که توجه به یکی منجر به تداعی مفهوم دیگر می‌شود؛ این مفاهیم به هم پیوسته چنان ارتباطی با هم دارند که اساسا بدون یکدیگر فهمیده نمی‌شوند، به عنوان مثال وقتی ما می‌گوییم «مادر»، این واژه ارتباط وثیقی با «فرزند» دارد و اساسا تعریف مادر بدون تصور مفهوم فرزند ممکن نیست؛ برای اینگونه مفاهیم از ترکیب شبکه واژگانی استفاده می‌کنیم.

حال سراغ تبیین مفهوم شبکه واژگانی معنویت می‌رویم. در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، ۳ واژه «عقلانیت، معنویت و عدالت» چنان ارتباط وثیقی با یکدیگر قرار دارند که یک کل منسجم را می‌سازند. معنویت، بدون عدالت‌خواهی را می‌توان همان «افیون توده‌ها» نامید، عدالت‌خواهی بدون معنویت نیز سر از ریاکاری و بازیگری در خواهد آورد و هر دوی اینها اگر حد عقلانیت نخورند، بیش از آنکه موجب نفع فردی و اجتماعی شوند، موجبات ضرر و زیان را فراهم خواهند آورد، لذا اگر حرف از ترویج معنویت در کشور می‌زنیم، باید ۲ مفهوم عدالت و عقلانیت را نیز در نظر داشته باشیم؛ معنویتی که به انزوای فردی دامن بزند یا توجیه‌گر وضع موجود باشد یا حساسیت‌های انسانی را نسبت به مظالم اجتماعی بگیرد. این معنویت نه تنها مقصود و مراد انقلاب اسلامی نیست بلکه اساسا معنویت نیست، یک حالت توهمی و روانی است. از آن طرف عدالت‌خواهی بدون معنویت نیز مانند نظام‌های کمونیستی و مارکسیستی گاهی سر از فجایع و جنایت‌های عظیم در خواهد آورد. بیاناتی که در ادامه از رهبر معظم انقلاب نقل می‌شود به خوبی سه‌گانه «عقلانیت، معنویت و عدالت» را تشریح می‌کند:

- اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی. خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند.[10]

- اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری[11]

- من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با ۲ مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلا عدالت نخواهد بود.[12]

- اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم - یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد - این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود. ما می‌گفتیم عدالت و آزادی اما آزادی اصلا جزو شعارهای آنها نبود. در همه کشورهایی که حرکت کمونیستی در آنجا به شکلی از اشکال -انقلاب یا کودتا- تحقق پیدا کرده بود، «عدالت» محور شعارهای آنها بود اما واقعیت زندگی آنها مطلقاً نشان‌دهنده عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده‌ای به اسم کارگر سر کار آمدند که همان طبقه اشرافی رژیم‌های طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آنها نداشتند. زندگی سران کشورهای مارکسیستی اینطور بود. بنده زمان مسؤولیت ریاست‌جمهوری وضعیت اقشار پایین بعضی از کشورهای سوسیالیستی را دیده بودم؛ آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقاً در آنجاها وجود نداشت. طبقه اشراف جدیدی در آنجا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده و از همه امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهیدستی و بدبختی زندگی می‌کردند. این وضعیت حتی در بعضی از کشورهای درجه یک‌شان هم دیده می‌شد. بنابراین، اینگونه عدالت‌طلبی بی‌دوام خواهد بود و از طریق درست خودش منحرف و ریاکارانه و دروغین خواهد بود.

عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید، البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک‌بعدی است. بعضی‌ها اهل معنایند اما هیچ نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد؛ «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است.[13]

-کسانی که راه را عوضی بروند و عدالت را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند. کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند.[14]

■ **چشم‌انداز و راهبردهای کلان در امر معنویت**

مسلما هر حرکتی نیازمند یک چشم‌انداز است تا بتوان برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی و حرکت انجام شده را متناسب با آن ارزیابی کرد. موضوع معنویت نیز از این قاعده مستثنا نیست ولیکن ابتدا باید گذری اجمالی داشته باشیم به وضع موجود و نقطه‌ای که در آن ایستاده‌ایم و سپس به ترسیم چشم‌انداز و راهبردهای کلانی بپردازیم که از سوی امامین انقلاب برای دستیابی به این چشم‌انداز بیان شده است.

■ **در کجا ایستاده‌ایم؟**

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل خود نسبت به وضعیت موجود جامعه از حیث معنوی و تزکیه اخلاقی، صراحتا از لفظ «عقب‌ماندگی» استفاده می‌کنند. ایشان درباره این موضوع می‌فرمایند: یکی دیگر از ضعف‌های ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است، البته امروز در مقایسه با قبل از انقلاب، به مراتب و مراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت می‌کردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه نفس هم پیشرفت می‌کردیم.[15]

همان‌طور که از بیانات رهبری مشهود است، ایشان مقوله پیشرفت و توسعه را نه تنها در بعد مادی و علمی بلکه در بعد اخلاقی و معنوی نیز جزو کارویژه‌های نظام اسلامی می‌دانند؛ کارویژه‌ای که بنا بر نظر ایشان نظام جمهوری اسلامی در آن دچار «عقب‌ماندگی» است. اگرچه این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که ایشان همین وضعیت کنونی را در مقایسه با رژیم پهلوی بسیار رشدیافته‌تر و قابل قبول‌تر می‌دانند.

■ **به کجا باید برویم؟**

قبل از پاسخ به این سوال باید به این نکته اشاره کرد که رهبر معظم انقلاب، آرمانگرایی در انقلاب اسلامی را محدود به آرمان‌های عدالت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه نمی‌دانند و داعی و محرک آرمان‌طلبی معنوی نیز هستند، به این معنا که ساختن یک جامعه اخلاقی و معنوی و نزدیک شدن به مدینه فاضله قرآنی باید از اهداف انقلاب باشد که ضروری است در راستای رسیدن به آن قدم برداشت. ایشان در این باره می‌فرمایند: در زمینه معنویت و اخلاق هم باید آرمانگرا بود. آرمانگرایی در معنویت و اخلاق هم یک امر معتبری است؛ مثل آرمانگرایی در سیاست، مثل آرمانگرایی در علم و در همه امور زندگی.[16]

با ذکر این مقدمه سراغ پاسخ به این سوال می‌رویم که چشم‌انداز آرمانی انقلاب اسلامی کجاست؟

براساس اندیشه رهبر معظم انقلاب، می‌توان چشم‌انداز معنوی انقلاب اسلامی را اینگونه ترسیم کرد:

۱) جامعه‌ای رشدیافته در وجدان اخلاقی

به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به‌نفس و رشد اخلاق معاشرتی

۲) جامعه‌ای رشدیافته در شعور معنوی

به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه

۳) آمادگی فضا و محیط جامعه اسلامی برای رشد معنوی

به معنی آماده بودن محیط برای حرکت هر شخص با استعدادی به سمت رهایی از بردگی غضب و شهوت و عاری بودن محیط از کانون‌های ضدمعنویت و ضدارزش‌های اخلاقی

این ترسیم از چشم‌انداز معنوی و اخلاقی انقلاب اسلامی به صورت ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب مورد تاکید قرار گرفته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بند مربوط به معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب می‌نویسند: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن‌شان حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضدمعنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.[17]

■ **راهبردهای کلان رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب**

در این بخش به بررسی راهبردهای کلانی می‌پردازیم که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای گذر از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب ارائه کرده‌اند. این راهبردهای کلان را می‌توان در ۴ بخش عنوان کرد:

۱) الزام حکومت به رفتارهای اخلاقی و پایبندی به معنویت

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب پیرامون معنویت، حکومت به عنوان تسهیلگر و کمک‌کننده در رشد معنوی جامعه است و این خود موجب می‌شود تا در وهله اول، این خود حکومت باشد که پایبندی به رفتارهای اخلاقی و معنوی را به نمایش بگذارد. ایشان در این باره می‌فرمایند: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.[18]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی دیگرشان با خطاب قرار دادن روحانیون می‌فرمایند: از علمداران دین نباید چیزی صادر شود که از آن رایحه دوری از معنویت استشمام شود، چرا که این امر به حرکت به سمت معنویت ضربه خواهد زد.[19]

۲) لزوم برنامه‌ریزی جامع بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب نهادهای مسؤول در حوزه امر فرهنگ را مکلف می‌کنند که برنامه جامع میان‌مدت و کوتاه‌مدتی را برای تحقق آرمان رشد وجدان اخلاقی و شعور معنوی جامعه طراحی کنند. ایشان در متن بیانیه گام دوم انقلاب اینگونه نهادهای مسؤول در حوزه معنویت را مکلف می‌کنند: در دوره پیش‌رو باید در این باره (امر معنویت و اخلاق) برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.[20]

نکته‌ای که درباره این ماموریت رهبر معظم انقلاب به نهادهای مسؤول نباید از نظر دور داشت، لفظ «جامعی» است که در این متن وجود دارد. دلالت معنایی این لفظ نشان می‌دهد برنامه مورد نظر رهبر معظم انقلاب باید یک راهبرد کلانی باشد که به مساله معنویت و اخلاق از منظرهای گوناگون دینی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوقی و قانونی نگریسته باشد و مسؤولیت‌ها و الزامات و تکالیف هر سازمان مربوط به این امر را به طور کامل و واضح مشخص و نحوه ارزیابی اجرای این تکالیف را پیش‌بینی کرده باشد. همه این موارد از دلالت‌های التزامی لفظ «جامع» در ادبیات برنامه‌نویسی در سطح حکمرانی است.

۳) مردمی‌سازی حرکت به سمت رشد اخلاقی و معنوی جامعه

اساسا «مردمی‌سازی» یکی از بنیان‌های اندیشه رهبر معظم انقلاب در عرصه‌های گوناگون است. مردمی‌سازی اقتصاد، مردمی‌سازی امنیت و مردمی‌سازی حکمرانی همگی نمونه‌هایی هستند از جایگاه قدرت مردم در به سرانجام رساندن امور در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. عرصه معنویت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و راهی برای رشد معنویت جز توانمند کردن مردم و فعال‌سازی تشکل‌ها و گروه‌های معنوی برای ایفای نقش در راستای رشد معنوی جامعه وجود ندارد. به این ترتیب این وظیفه سازمان‌های مسؤول است که تمام تلاش خود را معطوف توانمندسازی گروه‌ها و نهادهای مردمی برای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این تکلیف نهادهای مسؤول را در متن بیانیه گام دوم انقلاب به این شکل بیان می‌کنند: (نهادهای مسؤول) زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند.[21]

۴) مبارزه با کانون‌های ضدمعنویت

در طول تاریخ همیشه نحله‌ها، فرقه‌ها و مکاتب گوناگونی بوده‌اند که دعوت آنها و آموزه‌های آنها در تضاد با ارزش‌های اخلاقی و معنوی بوده است. مسلما بدون مبارزه با کانون‌های ضدمعنویت، نمی‌توان محیط را برای رشد معنوی مساعد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تکلیف نهادهای مسؤول را در مبارزه با مراکزی که ارزش‌های ضداخلاقی و معنوی را ترویج می‌کنند، به این شکل بیان می‌کنند: با کانون‌های ضدمعنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.[22]

پی‌نوشت

۱. صحیفه امام خمینی؛ جلد ۶ ، صفحه ۲۷۳
۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان، شهریور ۱۳۹۶
۳. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۰/۰۹/۲۷
۴. رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۶۹/۴/۲۵
۵. رهبر معظم انقلاب در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۷/۴/۴
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در ششمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)
۸. رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹
۹. رهبر معظم انقلاب در دیدار قاریان ۱۳۹۱/۰۴/۳۱
۱۰. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۸/۱۶/۰۶
۱۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲
۱۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸
۱۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸
۱۴. بیانات در دیدار مردم قزوین ۱۳۸۲/۰۹/۲۵
۱۵. رهبر معظم انقلاب در خطبه نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴
۱۶. رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶
۱۷. بیانیه گام دوم انقلاب، بند دوم
۱۸. بیانیه گام دوم انقلاب، بند دوم
۱۹. دیدار روحانیون و ائمه جمعه استان مازندران با رهبر انقلاب ۱۳۶۹/۰۲/۲۲
۲۰. بیانیه گام دوم انقلاب، بند دوم
۲۱. همان
۲۲. همان